



ننه سرما

داستانهای چشم قلمبه

اما در کنار این تنه سرما پیر مرد مهربانی هم بود که به عمو نوروز معروف شده بود. هر سال در روزهای آخر اسفند سر و کله اش پیدا می‌شد و بعد از خورجین قشنگش گل‌های بهاری را در می‌آورد و همه‌جا را آسیر سبز و زیبا می‌کرد وقتی عمو نوروز می‌آمد در کوچه‌ها بلند بلند آواز بهاری می‌خواند و به همه مژده آمدن عید را

می‌داد مردم هم از دیدن عمو نوروز خوشحال می‌شدند و جشنی زیبا و باشکوه برگزار می‌کردند بعد تمام طبیعت سر سبز می‌شد و گل‌ها باز می‌شدند و درختان می‌خندیدند و پرکنده‌ها آواز سر می‌دادند.